

ایران و درام نویسان بزرگ جهان

(۱۹)

دکتر مهدی فروغ
رئیس دانشکده هنرهای دراماتیک

موضوعها و مضمونهای ادبی و تاریخی ایران در آثار نمایشنامه نویسان معروف جهان

«هندل» که علاقه وافری به کار در روی صحنه نمایش داشت از داستان استرو مردخای وهامان دوبار استفاده کرده و آنرا موضوع دو اثر معروف خود قرار داده است. هنگامی که سی و پنجمین مرحله زندگی خود را میگذرانید اشتیاق وی به اینکه آثاری برای صحنه نمایش تدارک کند به نتیجه رسید. نخست داستان «آسیس و گالاتیا»^۱ را که شاعر معروف معاصرش «جان گای»^۲ ساخته بود با موسیقی تلفیق کرد و پس از آن منظومه «هامان و مردخای» را بموسیقی گذاشت و برای کار اخیر مبلغ یک هزار لیره استرلینگ هدیه گرفت. این دو تصنیف هر دو بصورت «ماسک»^۳ تنظیم شده و بدون شک نخستین بار در تماشاخانه خصوصی «کانوتز»^۴ در لندن، احتمالاً

۱ - *Acis and Galatea* در تاریخ اساطیری آسیس نام جوانی است از اهالی سیسیل که دوشیزای بنام «گالاتیا» دل درگرو مهرش دارد. غول یک چشمی *Cyclops* بنام «پولی فم» *Polypheme* که مهر گالاته را در دل دارد و رقیب آسیس است روزی که بر فراز تخته سنگی در کوه «اتنا» *Atena* بیاد معشوق و بخاطر جلب کردن توجه او نای متواخه متوجه میشود که معشوق و رقیب در زیر آن تخته سنگ در آغوش یکدیگرند. خشم و رشک او را بر آن میدارد که آن تخته سنگ عظیم را بر سر دریاغ لوکزامبورگ پاریس بر سر فواره استخر آن پارک منظره عشقنازی «آسیس» و «گالاته» در زیر تخته سنگ و مراقبت «پولی فم» با مرمر و برنز بصورت مجسمه ساخته شده است.
موزار در سال ۱۷۸۸ و مندلسون در سال ۱۸۲۸ هر یک قطعه‌ای بنا بر این مضمون ساخته‌اند. در سال ۱۷۰۸ نیز این موضوع در ایتالیا بموسیقی گذاشته شده است.

۲ - *John Gay* (۱۷۳۲ - ۱۶۸۵) شاعر خوش فریجه و وطن‌فروشی که ابتعاز برای گدایان *Beggar's Opera* را تصنیف کرده است. این اثر که در واقع یک «بالاد اپرا» *Ballad Opera* است (برای عشقی عامه‌پسندی که در آن بجای «رسیتاتیو» *Recitative* مکالمه بکار میرفت. موسیقی آن گاهی اختصاصاً ساخته میشده و گاهی هم ترکیبی بوده است از آوازهای مشهور و معتادان). در سال ۱۷۲۸ در لندن نمایش داده شد و شصت و سه متوالی بازی شد.

۳ - *Masque* نوعی نمایش توأم با موسیقی که آنرا مقدمه پیدایش اپرا می‌دانند و عبارت بوده است از نمایش‌هایی که موضوع آن داستانی تمثیلی *Allegorical* یا مجازی و یا اساطیری بوده و به شعر تنظیم میشده و با آواز و موسیقی و رقص، در صحنه‌هایی مجلل و با شکوه، و با لباس‌های گران قیمت، در دربار یا در کاخ‌های اعیان و اشراف در روزهای جشن و سرور غالباً توسط رجال و بزرگان بازی میشده است.

نمایش‌های ماسک در دربار جیمز اول *James I* و چارلز اول *Charles I* در انگلیس بسیار رایج و هزینه برگراری آنها بی‌اندازه زیاد بود. هزینه برگراری یکی از آنها را در سال ۱۶۱۳ میلادی مبلغ ۱۰۸۶ لیره استرلینگ نقل کرده‌اند. بن جانسون *Ben Janson* و بومان *Beaumont* و شرلی *Shirley* و میلتون *Milton* از جمله شاعران و درام‌نویسان معروفی هستند که آثاری بصورت ماسک نوشته‌اند. ولی نمایش ماسک بتدریج اهمیت خود را از دست داد و در سال‌های بعد بصورت بال ماسک درآمد.

۴ - *Canons* کاخ عظیم و مجللی در لندن که در سال ۱۷۱۲ توسط جیمز بریجز *James Bridges* رئیس خزانه‌داری نیروهای نظامی انگلیس، که ثروت زیادی تحصیل کرده بود بمبلغی در حدود ۲۳۰۰۰۰ لیره استرلینگ ساخته و تالار مجللی برای برنامه‌های موسیقی و ماسک در آن بنا شده بود.



در زمان سلطنت جیمز اول و چارلز اول که تأثر در انگلیس رو به تنزل گذاشت نمایش ماسک متداول شد. این نوع نمایش ابتدا در ایتالیا پیدا شد و بعد از راه فرانسه به انگلیس راه یافته است. نمایش ماسک استخوان بندی یک اثر دراماتیک نداشت و مخلوطی بوده است از شعر و موسیقی. تصویری که ملاحظه می کنید یک پرده نقاشی است از برگزاری نمایش ماسک در سده شانزدهم در انگلیس.

در سال ۱۷۲۱ بمعرض نمایش گذاشته شده است. اما داستان هامان و مردخای در حقیقت یک داستان عشقی و تاریخی است، و در کتاب استر در تورات آن را چنین نقل کرده اند که: «آخشیورش» که از همد تا حبش، برسد ویست و هفت ایالت پادشاهی میکرد، در سال سوم سلطنت خود مجلس ضیافتی در شوش ترتیب داد و گروه کثیری از بزرگان و سروران پارس و ماد را بدان دعوت کرد تا جلال و شکوه دربار خود را بدیشان بنماید. وشتی، ملکه خشیارشا نیز بهمین مناسبت مجلس ضیافتی برای زنان برپا کرد. در روز هفتم این جشن، چون خشیارشا از نشئه شراب سرمست شد فرمان داد وشتی را با تاج شاهی بکاخ وی بیاورند تا حاضران زیبایی او را بینند. وشتی از پذیرفتن فرمان شاه سربیزی کرد و خشیارشا خشمگین شد و پرسید که مجازات وی، برای سربیزی از فرمان شاه چیست؟ یکی از بزرگان پاسخ داد که وشتی نه فقط به خداوندگار خود، بلکه به بزرگان مملکت نیز اهانت کرده و چون زنان از رفتار وی آگاه شوند دیگر اطاعت شوهران نکنند و جا دارد که شاهنشاه وشتی را از مقام خود معزول سازد و ملکه دیگری انتخاب کند. فرمان صادر شد و وشتی معزول گردید. در صدد جستجوی دختری که سرآمد دوشیزگان کشور باشد برآمدند. در شهر شوش مردی یهودی، بنام مردخای، از تخمه بنیامین، زندگی میکرد که

۵ - Ahasuerus صورت تصحیف یافته کلمه خشیارشا است.
 ۶ - Vashti در جلد اول کتاب تاریخ باستان مرحوم مشیرالدوله، صفحه ۸۹۷ بعد، نام این ملکه وشتی آمده است.



مجلس تاجگذاری استر ملکه ایران، این تصویر از یک قلعه برده قالیچه‌ای که در شهر فلورانس در ایتالیا ساخته‌اند تهیه شده است.

عموزاده‌ای بس زیبا داشت بنام هدسه^۷ که در ایران تحت تعلیمات عموی مردخای تربیت یافته بود. این دوشیزه زیبا پس از وشتی ملکه ایران شد و با وجود اینکه همه‌کس از یهودی بودن مردخای آگاه بود ملیت هدسه بر همگان پنهان مانده بود زیرا مردخای باو سپرده بود ملیتش را فاش نکند. پس از یکسال که او را برای مقامی که در انتظارش بود تربیت کردند در روز معین بحضور خشایارشا معرفی شد و خشایارشا او را بر دیگر دوشیزگان برتری داد و تاج بر سر وی نهاد و از آن روز او را استر نامیدند که به پارسی بمعنی ستاره است. *اسانی و مطالعات فرهنگی*

سردار محبوب شاه که هامان نام داشت دشمن سرسخت مردخای بود درصدد برآمد که با طرح نقشه، همه یهودیان را قتل عام کند. با این نیت نزد شاهنشاه رفت و گفت در کشور تو مردمی هستند که آداب مخصوص بخود دارند و فرمان تو را اطاعت نمیکنند و من ده هزار وزنه نقره بتو پیشکش میکنم که اجازه دهی نسل ایشان براندازم - شاه انگشتی خود را بدو داد و گفت هم نقره و هم این مردم را بتو بخشیدم، با ایشان هر چه خواهی کن. هامان دستور قتل عام همه یهودیان را در سراسر کشور صادر کرد.

چون مردخای از ماجرا آگاه گشت سخت اندوهگین شد و شرح واقعه نزد استر برد. استر برای نجات همکیشان خود بر آن شد که دست بکار متهورانه‌ای بزند. لباس ملوکانه به تن کرد و بی‌خبر و بی‌اجازه به کاخ شاه درآمد و از او درخواست کرد که با هامان میهمان او باشند. شاه پذیرفت. در مجلس میهمانی، شاه از ملکه خواست که هر چه آرزو دارد از او بخواهد. استر اجازه خواست آنرا در میهمانی روز بعد که برای ایشان ترتیب خواهد داد عنوان کند.

۷ - Hadassah - در لغت بمعنی مورد است.

در ضمن هامان دستور داده بود که برای بدار آویختن مردخای داری به ارتفاع ۵۰ آرش برپا کنند .

در شب آن روز، هنگامی که ملازمان خشایارشا سالنامه سلطنت را برایش میخواندند به کشف سو، قصدی که چندی پیش بند وی صورت گرفته ، و مردخای آنرا کشف کرده بود اشاره کردند . شاه پرسید در مقابل این خدمت چه اجر و دستخوشی به مردخای داده شده ، گفتند هیچ . در همین موقع هامان بحضور آمد ، خشایارشا از او پرسید چه باید کرد درباره کسی که شاه بخواد او را سرافراز کند . هامان بتصور اینکه مقصود شاه خود اوست گفت لباس شاه بیوشد و تاج شاه بر سر نهد و بر اسب شاه سوار گردد و اول مرد دربار در جلو او حرکت کند و ب مردم بگوید که هر گاه شاه بخواد کسی را سرافراز سازد با وی چنین کند . خشایارشا دستور داد که هم اکنون این حکم را در حق مردخای عمل کن . هامان عمل کرد ولی سخت ملول بود .

در مجلس میهمانی ملکه ، شاه باز از استر خواست که آرزوی خود را بگوید . استر گفت من و ملت من دشمنی سر سخت داریم . شاه پرسید کیست آن دشمن ، ملکه هامان را بنمود . شاه خشمگین شده و بکاخ خود رفت و هامان دانست که جانش در خطر است ، به تضرع بر بستر استر افتاد . پادشاه بازگشت و بتصور اینکه هامان قصد هتک حرمت ملکه را داشته گفت آیا در حضور من قصد اهانت به ملکه را دارد ؟ ملازمان روی هامان را پوشانیدند و دستور شاه او را بر همان داری که برای مردخای فراهم آمده بود بردار کردند و خانه اش به استر بخشوده شد و مردخای بخدمت شاه درآمد و شاه انگشتری خود بوی سپرد . استر باز از پادشاه تقاضا کرد که فرامی را که هامان برای قتل یهودیان صادر کرده است باطل سازد و خشایارشا پایشان اجازه داد هر چه خواهند برای آزادی یهودیان بنویسند و به مهر شاه مهور کنند و بفرستند و کسی را جرأت تخلفی نباشد . استر نامه نوشت که از دشمنان یهودیان انتقام گرفته شود و یهودیان آزادی و احترام یافتند و روز چهاردهم ماه آذار^۸ را به شکرانه این پیروزی جشن گرفتند و آنرا جشن «فوریم»^۹ نامیدند^{۱۰} .

اما درباره این داستان که خلاصه آن در اینجا نقل شد عقاید ضدونقیض فراوان است از جمله نکات مهم مورد بحث یکی اینست که گفته شده استر بجای وشتی ، ملکه خشایارشا شد و این از جمله مسائلی است که بسیاری از محققان تاریخ در آن تردید کرده اند . بنا به تحقیقات اکثر محققان کتاب استر در سده دوم پیش از میلاد نوشته شده و نویسنده آن مسلماً به منابعی از تاریخ ایران دست داشته ولی آنچه در این داستان آورده با اسناد تاریخ کاملاً تطبیق نمیکند . بعید نیست که مؤلف کتاب آنرا از یک منبع قدیمی اقتباس کرده و برای منظور خاص خود در آن دست برده باشد .

خشایارشا از سال ۴۸۶ تا ۴۶۵ پیش از میلاد سلطنت کرد و اگر ادعای بعضی از محققان که گفته اند مردخای پسر عمو و مرئی استر ، توسط بخت النصر دوم^{۱۱} تبعید شده است درست باشد

۸ - نام ماه اول بهار از سال رومیان و ششمین ماه سریانی (برهان قاطع چاپ دکتر معین) و دوازدهمین ماه سال یهودی .

۹ - Purim

۱۰ - برای توضیح بیشتر از داستان استر به کتاب مقدس عهد عتیق ، کتاب استر ، و همچنین به کتاب تاریخ باستان مرحوم مشیرالدوله ، جلد اول صفحه ۸۹۷ مراجعه شود .

۱۱ - نابوکدنصر Nabuchodonoser یا نبوکدنزر Nebuchodrezzar مقصود بخت النصر دوم ملقب به کبیر است که از ۶۰۵ تا ۵۶۲ ق. م. سلطنت کرد و از جمله فتوحات بزرگ او یکی فتح سرزمین یهودا Judah و شهر بیت المقدس بوده است . محاصره بیت المقدس هجده ماه طول کشید و بالاخره گرسنگی موجب شکست مردم آن شهر شد . قسمت اعظم یهودیان به اسارت به بابل برده شدند و در آنجا ایشان را به کار کشت و زرع واداشتند و عده معدودی هم به مقامات عالی نائل شدند . برای کسب اطلاع بیشتر به کتاب «اساطیر بابل و آشور» Myths of Babylonia and Assyria تألیف دونالد ماکتری Donald Mackenzie و همچنین به کتاب دانیال در کتاب مقدس مراجعه کنید .

این دو واقعه یعنی تبعید مردخای و انتخاب شدن استر بعنوان ملکه ایران درست يك قرن با هم اختلاف دارد مگر اینکه بگوئیم پدران مردخای در تمام این مدت در ایران بسر برده بوده‌اند. بهرحال در کتاب عزرا از کتاب مقدس، در باب دوم، آیه دوم از جمله کسانی که به فرمان کوروش کبیر در سال اول پادشاهی‌اش از قید اسارت آزاد شده و عازم اورشلیم و یهودا هستند یکی هم مردخای است. آیا این همان مردخای عموی استر است یا مردخای دیگر معلوم نیست.

نکته دیگری که تردید را درباره اصلت این داستان افزایش میدهد اینست که در این داستان، بنام حضرت مسیح اصلاً اشاره نمیشود. با این وصف حالت و روح مذهبی از آن احساس میتوان کرد. مجاهدت استر در راه خدمت به ملتش، و اینکه برای نجات قوم یهود جان خود را به مهلکه انداخته و اعتقادش باینکه این وظیفه‌ایست مقدس و آسمانی که بعهده وی محول شده از جمله عوامل زیبا و جالب توجه این داستان است. از این موارد که بگذریم درباره اعتبار و اصلت تاریخی آن همانطور که گفته شد تردید وجود دارد. حتی حاخام‌ها و فقیهان قوم یهود در سده اول میلادی مطمئن و یا متفق‌القول نبودند که آیا باید داستان استرا را در کتاب مقدس بیاورند یا نه.

پیشوایان مذهب مسیح هم درباره اصلت این داستان اظهار تردید کرده‌اند. از قول مارتین لوتر^{۱۲} نقل کرده‌اند که گفته ایکاش این داستان وجود نداشت. در سال ۱۹۴۷ در حدود بحرالمیت^{۱۳} قسمتهایی از کتاب مقدس را بشکل طولی یافتند که تاریخ تحریر آنها از ۲۰۰ ق.م. تا ۱۰۰ میلادی است و کتاب استر جز آنها نبود.

عده دیگری از محققان نیز عقیده دارند که چون احساسات ملی قوم یهود در این داستان بی‌اندازه شدید است تاریخ تحریر آن باید قاعدتاً چند سالی بعد از جنگهای «ماکابی»^{۱۴} باشد چون شور و هیجانی که در نتیجه جنگهای مزبور بر ملت یهود مستولی شده بوده در این داستان میتوان بخوبی احساس کرد.

نکته دیگر همین موضوع جشن پوریم با فوریم است که درست دو روز بعد از جشنی که برای تجلیل از پیروزیهای شاهزادگان «ماکابی» برگزار میشده برقرار کردند. علاوه بر این جشن پوریم در کتاب ماکابی دوم^{۱۵} نخستین بار بعنوان جشن مردخای معرفی شده است. بعضی احتمال داده‌اند که این جشن اصلاً خارجی است و استدلال میکنند که کلمه پوریم آهنگ و اشتقاقی عبری ندارد عده‌ای هم میگویند این کلمه اصلاً فارسی است. بهرحال وضع کلمه پوریم قدیمی‌تر از تدوین کتاب استر است.

بطور کلی کتاب استر حاکی است از احساسات ملی قوم یهود و نفرت و از چار تند به غیر یهودیان. اقدام به قتل عام اقوام غیر یهودی نکته‌ایست برخلاف مقررات مذهبی یهود بصورتی که در کتابهای دیگر عهد عتیق، از جمله کتاب دانیال بیان شده است و تدوین کننده کتاب باین نکته توجهی نکرده است. با وجود آنچه به احتمال بیان شد کتاب استری بی‌اندازه مورد علاقه پیروان مذهب یهود است و هر سال در جشن پوریم در کنیسه با نماز مخصوصی که بعنوان شکر گزاری

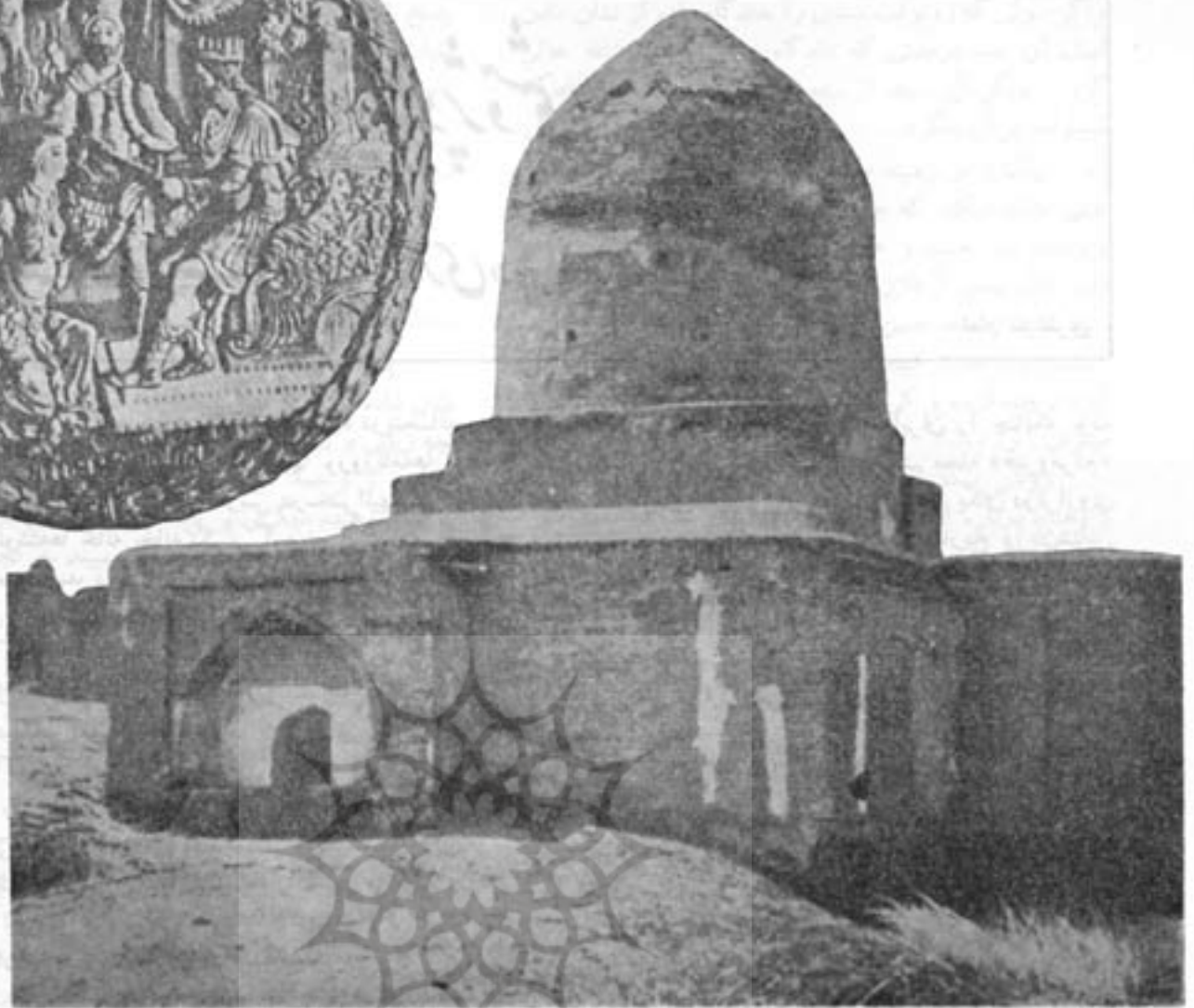
۱۲ - Martin Luther (۱۵۴۶ - ۱۵۸۳) پیشوای مذهبی معروف آلمانی.

۱۳ - The Dead Sea

۱۴ - «یهودا ماکابیوس» Judo Maccabees بایاری و همراهی ۴ برادرش که جمیع آنها را شاهزادگان

«ماکابی» مینامیدند از همین دوستان این قوم بودند که بر ضد انتیوکوس اپیفانی Antiochus Epiphanus از جاشینان اسکندر مقدونی، شورش کردند.

۱۵ - کتاب اول ماکابی درباره جنگهاییست که برادران ماکابی برای بدست آوردن استقلال از زمان John Hyrcanus (۱۰۴ - ۱۳۵ ق. م.) که حاخام اعظم و فرمانروای یهودیان گردید بر زبان عبری نوشته شده و وقایع حدود ۴۰ سال را شامل میشود و ظاهراً بنا بر مشاهده وقایع نوشته شده است. کتاب دوم که وقایع ۱۵ سال را شامل میشود عبارتست از نقل معجزه‌ها و داستان‌های مذهبی و قوانینی که پروتستانها آنها را رد کرده‌اند.



بالا: نقش برجسته‌ای مربوط به سده هجدهم که در ناحیه فلاندر (شمال بلژیک) تهیه شده و در آن ملکه استرا در حضور خشیارشا شاهنشاه ایران نشان میدهد که در حال تکریم و تعظیم است. پایین: گور استر و مردخای در همدان.

بدرگاه خداوند میگذارند خواننده میشود و بنابه روایت کتاب استر، این جشن را مردخای بیادبود آزادی یهودیان بیافریدی استر، و رهایی ایشان از نابودی بدست هامان ایجاد کرده است. در مورد شخص استر هم اختلاف عقیده زیاد است. بعضی او را با امترس^{۱۸} زن خشیارشا تطبیق کرده‌اند ولی چون پدر امترس یکی از سرداران و سپاهیان سپاه خشیارشا بوده، این عقیده رد شده است. بعضی دیگر از محققان نیز داستان استرا را با کشمکش بین خدایان بابلی مطابق کرده‌اند باین ترتیب که استرا با ایشثار^{۱۷} و مردخای را با مردوک^{۱۹} و شتی را با ماشتی^{۲۰} خدای عیلامی، و هامان را با هومان^{۲۱} خدای دیگر عیلامی مطابقت داده‌اند. ولی با این احتمالات موضوع داستان بکلی تغییر میکند و آن را بکلی از اعتبار می‌اندازد.

Mardook - ۱۸
Human - ۲۰

Amestris - ۱۶
Ishtar - ۱۷
Mashti - ۱۹